

نزاکت قضایی در نظام حقوقی ایران

تاریخ دریافت: ۹۶/۵/۱۲

تاریخ تأیید: ۹۷/۸/۴

عظیم اکبری رودپشتی*

سید قاسم زمانی**

چکیده

انسان به حکم فطرت آزاد است و محدودیت را در هیچ شکل آن نمی‌پذیرد. با این حال برخی مشاغل به سبب جایگاه ممتازی که در جامعه دارند، مستلزم محدودیت‌های خاصی می‌باشند که باید توسط متصدیان آنها رعایت شود. قضاوت یکی از این مناصب است که همواره پیوند ناگسستنی با محدودیت‌های حرفه‌ای خود تحت عنوان نزاکت یا شئون قضایی دارد. شئون قضایی از یک سواز چنان اهمیتی برخوردارند که در صورت عدم توجه به آنها، فرد صلاحیت تصدی منصب قضا را علیرغم داشتن شایستگی‌های دیگر نظیر توانایی‌های علمی و عملی، از دست خواهد داد و از سوی دیگر برداشت نادرست از آن می‌تواند دستاویز تعرض به استقلال و امنیت شغلی قضات شود. علیرغم وجود این ضرورتها؛ مفهوم و مصادیق رفتار خلاف شأن قضایی همواره موضوعی مبهم و مجمل بوده که قضات را در برزخی از تعیین رفتار موافق یا مخالف با شئون قضات قرار داده است. در این نوشتار سعی خواهد شد تا مفهوم، مصادیق و معیارهای تشخیص رفتار خلاف شأن قضایی در نظام حقوقی ایران بررسی شود.

واژگان کلیدی: قضاوت، قاضی، دادگستری، نزاکت قضایی، اخلاق.

* دانشجوی دکتری گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی (Azimakbari.r@gmail.com).

** دانشیار گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی / نویسنده مسئول (Azimakbari.r@gmail.com).

مقدمه

یکی از ویژگی‌های مناصب قضاوت، شئون خاص آن است. قضات چهره شاخص و ممتاز جامعه هستند که همواره در دید و توجه مردم قرار دارند. به همین دلیل سطح بالایی از استانداردهای اخلاقی بر تمام شئون زندگی حرفه‌ای و شخصی ایشان اعمال می‌شود (Wilson, 2012, p.228). شئوناتی که گاه از آن به محدودیت‌های شغلی قضاوت تعبیر می‌شود و هر دانش‌آموخته حقوق را هنگام انتخاب قضاوت به عنوان آینده شغلی به این فکر می‌اندازد که پذیرش این همه محدودیت در کنار سختی‌های کار قضاوت، می‌آزرد؟ از دیرباز و در همه سنت‌های فرهنگی و مذهبی، قاضی به عنوان فردی که دارای مقام معنوی والا و جایگاه اجتماعی متمایز از افراد عادی است، تابع قیوداتی سختگیرانه‌تر از دیگران و ملزم به رعایت شکلی از زندگی و رفتاری محدودتر از بقیه جامعه بوده است. در عصر کنونی نیز عامه مردم بر این عقیده هستند که قضات با محدودیت‌های بسیاری مواجه هستند، محدودیت‌هایی که وجود حتی نیمی از آنها، جریان عادی زندگی یک فرد را مختل می‌سازد اما برای قضات ضروری است. برخی این محدودیت‌ها را ضروری و صحیح می‌دانند و برخی دیگر نیز عقیده بر غیرقابل تحمل و نادرست بودن آنها دارند. در کنار این دو عقیده، نظر متعادل سومی می‌توان بیان کرد مبنی بر اینکه برخی از این محدودیت‌ها که تأثیر مستقیم بر عملکرد صحیح قاضی دارد ضروری است و برخی دیگر که ناشی از ملاحظات غیرحقوقی است، باید حذف شود. این محدودیت‌ها، که در فقه از آن تحت عنوان آداب القضاء^۱ و در حقوق کشور ما به عنوان شئونات قضایی نام برده می‌شود، در تمام کشورهای جهان پذیرفته شده و مورد قبول است و از آن تعبیر به نزاکت قضایی^۲ می‌شود که دارای مصادیق متعددی است. برای مثال، از قضات انتظار می‌رود در هر مجلس یا مهمانی نظیر مراسم عروسی یا جشن تولد شرکت نکنند. با هر ظاهری در اجتماع حضور نیابند. ایشان

۱. آداب القضاء سلسله احکام مستحب و مکروهی است که پیرامون قضاوت در متون فقهی آمده است (یزدی، ۱۳۸۴، ص ۸۲).

۲. Propriety

نمی‌توانند هر لباسی بپوشند.^۱ نمی‌توانند در هر رستورانی نظیر کافه‌ها غذا صرف نمایند. قضاات نمی‌توانند به برخی تفریحات نظیر رفتن به پارک یا سینما (از منظر عده‌ای)، استفاده از وسایل تفریحی پارک، شنا در دریا و رودخانه‌ها، اسکیت سواری در اماکن عمومی، حضور در مسابقات ورزشی، انجام برخی ورزش‌ها نظیر بیلارد یا موج سواری مشغول باشند. قضاات نمی‌توانند از هر وسیله نقلیه مانند موتورسیکلت یا خودرو اسپورت استفاده نمایند. نمی‌توانند با هر فردی در ارتباط باشند همچنین نوع و سطح روابط ایشان حتی با بستگان و خویشاوندان باید کنترل شده و محدود باشد. استفاده از دخانیات در منظر دیگران خلاف شأن ایشان است.^۲ خوردن و آشامیدن در خیابان مذموم است. بلند خندیدن یا رفتارهای سبک‌سرانه برخلاف انتظار است و بسیاری دیگر از محدودیت‌ها و شئوناتی که از قضاات انتظار می‌رود، مراعات نمایند. هر چند در خصوص درستی یا نادرستی تمام موارد برشمرده شده و پذیرش تمامی آنها به عنوان شئون قضایی اختلاف نظر وجود دارد لیکن حتی اگر نیمی از این محدودیت‌ها را صحیح و ضروری بدانیم، باز هم خواهیم دید که شرایط زندگی قضاات بسیار متفاوت از زندگی مردم عادی است. اینکه چه میزان از این محدودیت‌ها صحیح و لازمه کار قضایی است و چه میزان از آنها نادرست و غیر ضروری؟ و اینکه دامنه این محدودیت‌ها تا کجاست؟ ملاک و ضابطه تشخیص رفتار خلاف شأن قضایی چیست؟ و در صورت بروز این رفتارها از سوی قاضی، عکس‌العمل مناسب چه خواهد بود؟ تماماً سؤالاتی است که پاسخ صریح و روشنی برای آنها وجود ندارد و در این نوشتار سعی خواهیم کرد تا حد امکان این مسائل را تحلیل و بررسی نمائیم.

^۱. بنابر گفته حجت الاسلام و المسلمین نبیری، رییس دادگاه انتظامی قضاات، قضاات باید همواره کت و شلوار بر تن داشته باشند و از شرکت در مراسمات عروسی خودداری کنند، در غیر اینصورت از حیث رفتار خلاف شأن قضایی برای ایشان تخلف گرفته خواهد شد. به نقل از خبرنامه انتخاب (تاریخ خبر: ۱۹ مهر ۱۳۹۲)

^۲. آیت‌الله هاشمی شاهرودی، در زمان ریاست خود بر قوه قضائیه طی بخشنامه‌ای استعمال دخانیات توسط قضاات در محاکم را ممنوع اعلام نمودند.

مفهوم نزاکت قضایی

در خصوص تعریف نزاکت قضایی و اینکه شامل چه افعال و رفتارهایی می‌شود، اختلاف نظر است. اساساً در روانشناسی معاصر اتفاق نظر در تعریف نابهنجاری و بهنجاری وجود ندارد. رفتار بهنجار مطلق، مانند یک فرمول ریاضی یا فیزیک قابل تعریف نیست و در دنیای امروز نمی‌توان مرز صریحی میان رفتار بهنجار و نابهنجار کشید. هنجارها در میان فرهنگهای مختلف و حتی بین خرده فرهنگهای درون یک جامعه فرق می‌کنند. امری که در یک محیط فرهنگی، طبیعی است می‌تواند در محیط فرهنگی دیگر انحرافی باشد (تنهایی، ۱۳۷۱، ص ۶۸). ممکن است یک عمل در شرایطی در یک جامعه نابهنجار تلقی شود ولی همان عمل در شرایطی دیگر بهنجار باشد. عواملی مانند جنسیت، سن، خانواده، موقعیت اجتماعی، شغل، آداب و رسوم نیز در تمییز رفتار بهنجار از رفتار نابهنجار مؤثر است. برای مثال رفتاری که برای یک خانم نابهنجار تلقی می‌شود ممکن است برای یک آقا بهنجار محسوب شود (شهیدی، ایران مهر، ۱۳۸۹، ص ۴۰). این قضیه در خصوص رفتار مطابق با شأن قاضی نیز صادق است. رفتار عادی قاضی ممکن است از نظر برخی افراد به عنوان رفتاری مؤدبانه و مدنی تلقی شود لیکن دیگران همان رفتار را به عنوان رفتاری خشک و رسمی، تحقیر کنند. برعکس ممکن است آنچه که برخی به عنوان رفتاری غیرموقر که نشان دهنده بی‌احترامی قاضی به منصب خویش است محکوم می‌کنند، از نظر دیگران به خاطر اینکه نشان می‌دهد مقامات قضایی دارای حس خوش خلقی‌اند و این ظرفیت را دارند تا خودشان را نگیرند، تحسین شود (Wood, 1996, p. 2). محقق در شرایع می‌گوید؛ مکروه است قاضی آنقدر ترش رو باشد که نتوان با وی صحبت کرد و آنقدر خوش رو که ایمن از گستاخی طرفین نباشد (حلی، ج ۴، ص ۷۵). به همین دلیل تعریف رفتار خلاف شأن قاضی امری دشوار و مبهم است و قاضی را در برزخی از تشخیص رفتار درست از نادرست قرار می‌دهد. در واقع در بسیاری از موارد قاضی بدلیل همین تفاوت برداشت‌ها و تغییر سریع عقاید و افکار، نمی‌داند که آیا عمل او خلاف شأن قضایی محسوب می‌شود یا خیر؟ با این حال در یک جمع بندی کلی می‌توان شئون قضایی را؛ اعمال و رفتارهای شخصی و حرفه‌ای قاضی دانست که بر عملکرد قضایی و شایستگی قاضی در تصدی منصب قضا تأثیر مستقیم دارند.

همچنین باید توجه داشت مصادیق شئون قضایی را می‌توان در طیف‌های گسترده و متنوعی نظیر سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، روانشناسی، اخلاقی و فرهنگی

تقسیم بندی نمود که از کشوری به کشور دیگر متفاوتند^۱ و بر اساس فرهنگ و مقتضیات هر جامعه تعیین می‌گردند. در جوامع مذهبی باید قیود و محدودیت‌های اعتقادی را نیز به آن افزود. در فقه امامیه تمام فقها در خصوص اشتراط وصف عدالت در قاضی اتفاق نظر دارند لیکن در خصوص مفهوم آن میان ایشان اختلاف است، اما نظر مشهور بر این است که وصف عدالت در قاضی به معنای ترک گناهان کبیره و عدم اصرار بر گناهان صغیره است (صوفی آبادی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۲). چنین برداشتی از اشتراط وصف عدالت در قاضی، طیف گسترده‌ای از رفتارها را وارد در محدوده شئون قضایی می‌نماید که باید توسط قاضی رعایت شود. در یک دسته بندی کلی می‌توان مصادیق شئون قضایی را به دو دسته شئون فردی و سازمانی تقسیم کرد. شئون فردی به آنچه که قاضی باید در رفتار شخصی خود، چه هنگامی که در پشت میز قضاوت نشسته است و چه هنگامی که به عنوان یک فرد عادی در جامعه حاضر می‌شود و همچنین رفتارهایی که باید در زندگی خصوصی خود مراعات نماید، اطلاق می‌شود و شئون سازمانی یعنی زمانی که به قاضی به عنوان بخشی از بدنه نظام قضایی کشور و نمونه‌ای از جایگاه و سیستم دادگستری نگریسته می‌شود، انتظار می‌رود تا آن استانداردها توسط قاضی و دادگستری مراعات شود. بخش قابل توجهی از شئون سازمانی متوجه خود قوه قضائیه است که ملزومات آن باید توسط این دستگاه فراهم شود. در ادامه به بررسی و تبیین موضوع نزاکت قضایی یا همان شئون قضایی ذیل دو عنوان کلی شئون فردی و شئون سازمانی و مصادیق آنها خواهیم پرداخت.

^۱ طبق تبصره ماده ۱۷ قانون نظارت بر رفتار قضات ایران مصوب ۱۳۹۰؛ رفتار خلاف شأن قضایی عبارت است از انجام هر گونه عملی که در قانون، جرم عمدی شناخته می‌شود و یا خلاف عرف مسلم قضات است، بنحوی که قضات آن را مذموم بدانند. ماده ۱۲ آیین نامه اجرایی قانون مذکور نیز بیان می‌نماید؛ منظور از عمل خلاف عرف مسلم قضات موضوع تبصره بند ۶ ماده ۱۷ قانون هر فعل یا ترک فعلی است که موجب تخفیف جایگاه قاضی یا ایجاد بدبینی یا بی‌اعتمادی مردم نسبت به دستگاه قضایی شود؛ مانند استعمال الفاظ نامناسب با شأن قضایی، تندخویی نسبت به مراجعین یا همکاران دفتری و قضایی، استفاده از لباس نامناسب و غیرمعارف در ملاء عام یا محل کار، ارتباط نامتعارف با طرف پرونده و کلاء یا کارشناسان، همنشینی با افراد ناباب و کسانی که دارای سوء شهرت هستند.

شئون فردی و غیرسازمانی

بخش عمده از عوامل مؤثر در حفظ شأن و احترام قضات، به نحوه رفتار خود قاضی بر می‌گردد. قاضی باید از درستی و کمال اخلاقی برخوردار باشد. قاضی باید همواره و بویژه در جلسات دادگاه رفتاری مؤدبانه و باوقار از خود نشان دهد. صاحب جواهر می‌گوید؛ قاضی در قضا باید هیبتی شکوهمند و با وقار داشته باشد (نجفی، ۱۴۳۴، ۴۰/۷۷). در رفتار با ارباب رجوع سعه صدر و تحمل بالایی داشته باشد. به سخن افراد با دقت و حوصله گوش دهد و از مواضع تهمت و بیان سخنان سخیف و نامناسب و استهزاء دیگران بپرهیزد. قاضی در انجام وظایف خود باید رعایت ادب، احتیاط و قیودات را بنماید. اظهارات ناشایست و تهاجمی نسبت به طرفین یا وکلا یا شهود خلاف شأن وی است.^۱ این قاضی است که وضعیت را تنظیم و محیط مناسبی برای محاکمه عادلانه در دادگاه فراهم می‌سازد بنابراین ضروری است تا قاضی در دادگاه مؤدبانه رفتار کند و به شأن همه افراد احترام بگذارد و کلیه حاضرین در دادگاه اعم از طرفین و کارمندان دادگاه را نیز مکلف به رعایت ادب نماید (united nation office on drugs and crime, 2007, pp. 141-142). سلوک قاضی برای حفظ بی‌طرفی او نیز حیاتی است زیرا این رفتار اوست که دیگران آن را می‌بینند. رفتار ناشایست می‌تواند سلامت فرآیند قضایی را بواسطه بروز گمان جانبداری یا سهل انگاری و ناشایستگی قاضی تضعیف نماید. رفتار از روی بی‌اعتنایی نسبت به یکی از دو طرف دعوا، حق آن طرف را مبنی بر مورد استماع قرار گرفتن نقض می‌کند و وقار و جایگاه دادگاه را به خطر می‌اندازد. این جمله معروف از امام علی (ع) که می‌فرماید؛ قاضی باید نگاهش را عادلانه میان طرفین تقسیم کند و اجازه ندهد یکی از طرفین نسبت به دیگری اظهار سلطه و دست درازی کند (کلینی، ج ۳، ص ۴۱۳)، حد اعلای این امر را نشان می‌دهد. قاضی باید عصبانیت خود را به طور شایسته کنترل کند. علت عصبانیت مهم نیست، پاسخ قاضی باید صرفاً قضایی و محترمانه باشد. حتی اگر علت عصبانیت قاضی بی‌ادبی وکیل باشد، جایز نیست که قاضی بدنبال تلافی آن باشد. برای قاضی شایسته نیست تا حرف وکیل را مکرراً قطع نماید یا با وی بدزبانی کند یا رفتار یا استدلال وکیل را تمسخر کند. از طرف دیگر هیچ قاضی موظف نیست به استدلال-های بی‌فایده حقوقی گوش دهد یا بدرفتاری نسبت به دادگاه را تحمل نماید و در این

۱. شعبه سوم دادگاه انتظامی قضات در رأی شماره ۹۴۱ و ۹۴۲ - ۱۳۸۰/۱۱/۸؛ جر و بحث لفظی قاضی با عریضه نویس را بر خلاف شئون وی اعلام نمود. (کریم زاده، ۱۳۸۱، ص ۲۰۱)

موارد استفاده از مکانیزم‌های قانونی بهترین راه حل است.

اما همانطور که گفته شد رفتارهای فردی و شخصیتی قاضی در زمان اداره جلسه دادرسی تنها بخشی از شئونات قضایی است که با سلامت قضایی و رفتار اخلاق مدارانه او هم پوشانی دارد. بخش اعظم شئونات فردی قاضی مربوط به رفتار و اعمال او در خارج از دادگاه است. این شئونات در برخورد قاضی با عوامل بیرونی دادگاه نمود می‌یابد و در واقع کنش‌ها و واکنش‌هایی هستند که او در محیط بیرونی و در مواجهه با رویدادهای زندگی شخصی و اجتماعی خود بروز می‌دهد. این رفتارها که در بسیاری از موارد غیر ارادی و جزء حق‌های بشری محسوب می‌شوند مانند خشم، شادی، هیجان، لذت، نوع دوستی، آزادی اجتماعات، ابراز عقیده و آزادی بیان باید محدود و توسط قاضی کنترل شود. قاضی نمی‌تواند شادی خود را به هر نحو بروز دهد، نمی‌تواند خشم یا تنفر خود از یک موضوع را به گونه‌ای که منحل نزاکت منصب قضاست نشان دهد و یا حتی از روی نوع دوستی و انسان دوستی با فردی که ممکن است در آینده به عنوان ارباب رجوع در نزد وی حاضر شود، همدردی نماید و به او کمک کند. ارتباطات او با خویشاوندان و دوستان باید کنترل شده و محدود باشد و از حضور در هر اجتماعی خودداری کند. بنابراین رفتارهایی که قاضی در زندگی اجتماعی و فعالیت‌های غیرقضایی خود انجام می‌دهد نیز تابع محدودیت‌هایی است که مشمول نزاکت قضایی یا شئونات قضایی می‌شود. این دسته از محدودیت‌ها که قاضی در اثنای زندگی شخصی خود چه در درون خانواده و چه در جامعه بیرونی باید رعایت نماید، جزء محدودیت‌های اصلی حرفه قضاوت است که محوریت اصلی این نوشتار را تشکیل می‌دهد و این محدودیت‌ها را در دسته‌های مختلف تقسیم بندی نموده‌ایم که به تبیین و تشریح آنها خواهیم پرداخت.

شئونات فردی قاضی ارتباط مستقیمی با فعالیت‌های غیرقضایی وی و ارتباطات اجتماعی او دارد. اساساً از آنجا که قضات نه در برج عاج بلکه در جهان واقعی زندگی می‌کنند، نمی‌توان از آنها انتظار داشت که با پذیرش منصب قضایی تمام علقه‌های خود را با جامعه قطع نمایند. قاضی مانند هر شهروند دیگری حق آزادی بیان، آزادی عقیده و آزادی انجمن دارد. حق دارد در فعالیتهای اجتماعی شرکت کند و از تفریحاتی که

دیگران بهره می‌برند استفاده کند. نمی‌توان از قاضی انتظار داشت با انتصاب به این سمت از این حقوق صرف‌نظر نماید. برای قضاوت در دنیای واقعی نیاز است تا قاضی در آن دنیا نفس بکشد، زندگی کند، بیاندیشد و با عقاید دیگران شریک شود (Mckay, 1970, p. 12). قاضی می‌تواند در فعالیتهای غیرقضایی به گونه‌ای که منزوی از جامعه نشود شرکت نماید و در فعالیتهای هنری، فرهنگی، ورزشی و تفریحی تا جایی که با وظایف قضایی او منافات پیدا نکند، شرکت نماید. در کد رفتاری مدل قضات آمریکا که توسط کانون وکلای این کشور به عنوان نمونه تنظیم شده است تا سایر ایالت‌ها با استفاده از آن مبادرت به تصویب کد رفتاری نمایند، قضات نه تنها از فعالیتهای اجتماعی منع نشده‌اند بلکه در بسیاری از موارد تشویق و مکلف به شرکت در فعالیتهای اجتماعی گردیده‌اند تا از این طریق توانایی‌های قضایی خود را ارتقاء دهند.^۱ در کد رفتاری ایالت‌های آلاسکا و تگزاس به قضات اجازه نوشتن، سخنرانی، کنفرانس، تدریس و شرکت در فعالیتهای غیرقضایی حقوقی داده شده است (Alaska Texas code of judicial conduct, canon 4(B) (1)). همچنین قاضی می‌تواند در فعالیتهای مربوط به اجرای عدالت، تصویب قوانین، اصلاح ساختارهای اجتماعی و دیگر موضوعات مرتبط با رشته حقوق مشارکت نماید. فعالیت قضایی قاضی و شغل وی، او را برای کمک به

¹ . Canon 4: Complete separation of a judge from extrajudicial activities is neither possible nor wise; a judge should not become isolated from the society in which the judge lives. As a judicial officer and a person specially learned in the law, a judge is in a unique position to contribute to the law, the legal system, and the administration of justice, including revising substantive and procedural law and improving criminal and juvenile justice. To the extent that the judge's time permits and impartiality is not compromised, the judge is encouraged to do so, either independently or through a bar association, judicial conference, or other organization dedicated to the law. Subject to the same limitations, judges may also engage in a wide range of non-law-related activities. available at: https://www.americanbar.org/groups/professional_responsibility/resources/judicial_ethics_regulation/mcjc.html

بهبود سیستم حقوقی، هدایت جامعه و اجرای عدالت در موقعیت ممتازی قرار می‌دهد. وی می‌تواند این کمک را از طریق نوشتن، اظهارنظرهای شخصی و تدریس انجام دهد. قاضی می‌تواند به آموزش حقوقی و حرفه‌ای از طریق ارائه سخنرانی، مشارکت در کنفرانس‌ها، تدریس در دانشگاه بپردازد. چنین فعالیت‌هایی به نفع همگان است و باید تشویق شود. این فعالیتها برای خود قاضی نیز سودمند است و بینش قاضی را وسیع‌تر و عمیق‌تر می‌کند. اما در اعمال این حقوق همواره باید به گونه‌ای رفتار نماید که شئون منصب قضایی، بی‌طرفی و استقلال دستگاه قضایی حفظ شود. در تعیین محدودیت‌های اعمال این حقوق چند ملاحظه اساسی وجود دارد. نخست اینکه این علائق به طور متعارف به اعتماد عمومی نسبت به بی‌طرفی و استقلال دستگاه قضایی صدمه نزنند. فعالیت‌های غیرقضایی قاضی می‌تواند باعث تضاد منافع قاضی با اصحاب پرونده‌ها شود که باید از آن اجتناب کرد. دوم آنکه چنین مسائلی قاضی را در معرض حمله‌های سیاسی و موضع تهمت قرار ندهد. سوم اینکه استفاده از این حقوق او را از انجام وظیفه اصلی خود یعنی دادرسی باز ندارد. تمام این ملاحظات را در یک جمله می‌توان خلاصه کرد و آن اینکه فعالیت‌های غیرقضایی قاضی مخالف شأن او نباشد. قاضی باید توجه داشته باشد که زیر ذره‌بین همیشگی جامعه قرار دارد و به همین دلیل باید همواره محدودیت‌های فردی سنگینی را بپذیرد که شهروندان عادی آن را کاری سخت و غیرقابل انجام می‌دانند. هم رفتار حرفه‌ای و هم رفتار فردی وی باید منطبق با جایگاه منصب قضا باشد. حتی هنگامی که خارج از مسند قضا است باید مانند زمانی که در این مسند است، زندگی نمونه‌ای داشته باشد.

۱. فعالیت‌های سیاسی قضات

هر چند به عقیده بسیاری، فعالیت‌های سیاسی قاضی و همچنین رایزنی و مراوده وی با مقامات سایر دستگاه‌های حکومتی منافی استقلال و بی‌طرفی اوست لیکن باید توجه داشت که قضات و خود جامعه نیاز دارند تا صدای این قشر شنیده شود. اعضای قوه قضاییه همانند سایر شهروندان از آزادی بیان، عقیده، انجمن و اجتماعات

برخوردارند ولی مشروط بر اینکه در اعمال این حقوق همواره به طریقی رفتار کنند که کرامت ذاتی مقام خود و بی طرفی و استقلال قوه قضاییه حفظ شود (آساکوچی، ۱۳۸۶، صص ۵۹-۶۲). قضات برای حفظ حقوق و حریم خود و تضمین موضوعاتی نظیر استقلال و بی طرفی و همچنین حفظ جایگاه دستگاه قضایی ناگزیر از چانه زنی با مسئولین قوای مجریه و مقننه هستند تا سایر دستگاه‌ها با توجه به اختیاراتی که دارند خدش‌های به ملزومات کار ایشان وارد نیاورند (Hartley, 2014, p. 390) و در صورت احساس خطر یا تعدی دستگاه‌های دیگر به حقوق ایشان با آن برخورد نمایند. حتی در برخی موارد اظهارنظر عمومی یا سیاسی تکلیف اخلاقی و انسانی قاضی به حساب می‌آید. برای مثال شرکت قاضی در محفل‌های عمومی، امضای طومار در مقام مخالفت با جنگ یا دفاع از حقوق بشر و حقوق شهروندی، از مواردی است که دغدغه جهانی است و از قاضی نیز انتظار می‌رود که در چنین حرکت‌های اجتماعی حضور داشته باشد. از طرف دیگر قضات بدلیل اینکه به صورت تخصصی و حرفه‌ای با مشکلات روزمره مردم سروکار دارند نظرات ایشان در حل این مشکلات و سیاست‌گذاری‌های کلان و قانونگذاری بسیار سودمند است به همین دلیل باید در خصوص مسائلی مانند بحث تصویب و اصلاح قوانین و رفع نقطه ضعف‌های آن مشارکت داده شوند. اظهارنظرهای قضات در خصوص پیش‌نویس قوانین بهترین راهکار برای رفع نواقص قوانین است. ایشان بهتر از هر کارشناس دیگری می‌توانند با نظرات تخصصی خود در زمینه مسائل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و قانونگذاری سایر نهادهای حکومتی را راهنمایی نمایند. قضات اطلاعات مستقیم و بدون واسطه‌ای از مسایل اجتماعی و اقتصادی مرتبط با حقوق و قانون دارند که سیاست‌گذاران در هر رده‌ای به این اطلاعات نیازمندند. موضوعاتی نظیر اختلافات خانوادگی و علل اصلی طلاق در جامعه، مشکلات نوجوانان و بزهکاری ایشان، مشکلات ناشی از مواد مخدر، فعالیت‌های اقتصادی افراد و موانع و مشکلات مردم در این زمینه، خلاءهای قانونی که باعث ایجاد رانت خواری، زمین‌خواری، پولشویی، قاچاق کالا و کلاهبرداری می‌شود، جملگی از عمده مسائلی است که قضات بصورت روزانه با آن سروکار و بهتر از هر کارشناس دیگر با منشأ پیدایش و چگونگی رفع آنها آشنایی دارند (Hartley &

(Douglas, 2003, p. 10). در همین راستا قوانین آمریکا به قضات اجازه داده است تا با استفاده از مکانیزم‌های رسمی درخواست‌ها و نقطه نظرات خود را به کنگره اعلام نمایند. همچنین اصل چهارم از مجموعه کد رفتاری قضایی آمریکا به قضات اجازه داده است تا به هر میزان که می‌خواهند برای ارتقاء قانون و سیستم حقوقی و اجرای عدالت با دیگر نهادهای حکومتی لابی و رایزنی داشته باشند (Virginia canons of judicial conduct, canon 4).

با این حال فعالیت‌های سیاسی قاضی حساس‌ترین و بحث‌برانگیزترین نوع فعالیت‌های اجتماعی اوست که باید با احتیاط فراوان انجام شود. علت آن نیز ارتباط مستقیم فعالیت‌های سیاسی با استقلال و بی‌طرفی قاضی است. عدم رعایت خطوط قرمز در فعالیت‌های سیاسی بشدت به استقلال و بی‌طرفی قضات لطمه می‌زند. قاضی باید همواره از درگیری‌های عمومی و بخصوص تنش‌های سیاسی به دور باشد. از ارائه نقطه نظرات جنجالی و سیاسی اجتناب کند و اگر ارائه چنین نظرات چالش برانگیزی ضروری است این امر باید توسط نهادی از دستگاه قضایی و به عنوان نظر مجموعه دادگستری مطرح شود و نه از سوی یک قاضی بصورت فردی. قاضی باید از شرکت در کمپین‌های سیاسی و ستادهای انتخاباتی اجتناب نماید. از اعلام هواداری علنی از یک نامزد سیاسی یا مشی سیاسی خاص پرهیزد و به گونه‌ای جلوه نکند که وی تابع یک بینش یا طرز فکر خاص سیاسی است و از آن پیروی محض می‌نماید. دلیل آن نیز مشخص است چون ممکن است همین قاضی در خصوص همان درگیری بر مسند قضاوت بنشیند و از وی خواسته شود تا اختلاف را حل و فصل نماید و شرکت او در درگیری‌های عمومی و اظهارنظرهای غیرقضایی و برای مثال انتقاد یا دفاع از سیاستهای خاص یک دولت باعث می‌شود تا هنگامی که به عنوان قاضی، دادگاه رسیدگی به همان موضوع را تصدی می‌نماید دیگر به عنوان قاضی نگریسته نشود و رویکرد مستقل، بی-طرفانه، غیر تبعیض‌آمیز و منصفانه او زیر سؤال رود. مثالی که بسیار ممکن است اتفاق افتد این است که قاضی از عملکرد یک شخص صاحب منصب دولتی یا افراد شناخته شده به صورت علنی و در رسانه‌ها انتقاد نماید و همان فرد در دعوی به عنوان طرف قضیه یا شاهد در محضر وی در دادگاه حاضر شود (united nation office on

۲. فعالیت‌های اقتصادی قضات

قاضی در امور مالی از حقوق برابر با سایر شهروندان برخوردار است. لیکن در حوزه فعالیت‌های اقتصادی نیز با ممنوعیت‌هایی مواجه است.^۱ قاضی باید همواره از وضعیت مالی و روابط مالی خود و اعضای خانواده خویش آگاه باشد تا چنانچه نتیجه یک پرونده، وی یا اعضای خانواده‌اش را از نظر مالی تحت تأثیر قرا می‌دهد از رسیدگی به آن پرونده خودداری نماید. قاضی باید به اعضای خانواده و کارمندان خود تذکر دهد که حق دریافت هیچگونه هدیه‌ای را از طرف او ندارند (united nation office on drugs and crime, 2007, pp. 111-115). چنان‌که در فقه امامیه عقیده بر این است که دادن هر گونه هدیه به قاضی در حکم رشوه بوده و حرام است (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ۷۵/۳).^۲ اصولاً قضات بدلیل جایگاه والایی که دارند و همچنین با توجه به زهد و تقوایی که جامعه از صنف قضات توقع دارد، مشاهده ایشان در حال انجام فعالیت‌های اقتصادی باعث ایجاد سوء ظن و بدبینی در مردم می‌شود. تجمل‌گرایی و انجام فعالیت‌های اقتصادی باعث می‌شود تا مردم تصور نمایند که قضات به موضوعات مادی وابسته هستند و در نتیجه در پرونده‌ها بر اساس منافع مالی خویش تصمیم‌گیری می‌نمایند. بنابراین قضات نباید در فعالیت‌های تجاری شرکت داشته باشند و تقریباً یک امر پذیرفته شده است که قاضی نمی‌تواند فعالیت حقوقی شخصی نظیر وکالت داشته

^۱. طبق بند ۲ ماده ۱۷ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰؛ اشتغال همزمان به مشاغل مذکور در اصل یکصد و چهل و یکم قانون اساسی یا کارشناسی رسمی دادگستری، مترجمی رسمی، تصدی دفتر ازدواج، طلاق و اسناد رسمی و اشتغال به فعالیت‌های تجاری موضوع ماده یک قانون تجارت موجب محکومیت انتظامی قضات است.

^۲. بند ۵ ماده ۱۷ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰ نیز بر این ممنوعیت اشاره دارد.

باشد. همینطور است موضوعاتی نظیر نوشتن وصیت نامه، لایحه دفاعیه و قراردادهای مالی چنانچه قاضی آن را به طور حرفه‌ای کار خود قرار داده باشد. اما در خصوص فعالیت‌های خیریه قضات چنین ممنوعیتی وجود ندارد (McKay, 1970, p. 12). قاضی ممکن است در موضوعات مختلف مانند املاک سرمایه‌گذاری کند و آن را مدیریت نماید لیکن حق ندارد به عنوان مدیرعامل یا عضو هیأت رئیسه شرکتهای تجاری باشد. همچنین مشارکت قاضی در کار تجاری کاملاً خانوادگی، عموماً مجاز است مگر اینکه بسیار وقت‌گیر یا مغایر با منزلت او باشد. در همین راستا ریاست پیشین قوه قضائیه ایران طی بخشنامه‌ای در سال ۱۳۸۴ اعلام نموده است؛ به قرار اطلاع، تعدادی از قضات شاغل، به امر قضا اکتفا نکرده‌اند و مشاغل دیگری را برای خود برگزیده‌اند و تأثیر منفی این اشتغالات نه تنها بر امور قضایی مشهود شده، بلکه اسباب آسیب‌پذیری آنان و بدبینی جامعه را به دستگاه قضا فراهم کرده است. به منظور رفع مشکلات ناشی از چند پیشگی و اقدامات مغایر با شئون قضا به دارندگان پایه‌های قضایی تأکید می‌شود مادام که در استخدام قوه قضائیه‌اند، از پذیرش و اشتغال به مشاغل دیگر اعم از رسمی و آزاد و از جمله سردفتری اسناد رسمی، ازدواج و طلاق و همچنین مشاورت در دستگاههای دولتی و غیر دولتی و... ممنوع‌اند و جز انجام وظایف قضایی محول، نباید به حرفه دیگری هرچند با واسطه یا با شرکت دیگری بپردازند.

با این حال عدم فعالیت اقتصادی قضات مستلزم تمهید مقدماتی از سوی قوه قضائیه است. قضات بدلیل جایگاه خطیر و حساسی که دارند روزانه در معرض تطمیعات فراوانی از سوی طرفین پرونده قرار می‌گیرند. هر چند توقع این است که قضات با شخصیتی وارسته و زهد درونی در مقابل چنین تطمیعاتی بایستند اما این مسئله از وظیفه قوه قضائیه و دولت در توجه ویژه به وضعیت معیشتی ایشان نمی‌کاهد. این نکته با توجه به اینکه قضات در اکثر کشورها از انجام فعالیتهای اقتصادی ممنوع شده‌اند، اهمیت می‌یابد. همچنین با توجه به درآمد بالایی که قضات می‌توانند از طریق اشتغال در بخش خصوصی و وکالت بدست آورند برای استمرار حضور افراد کاردان و شایسته در دستگاه قضایی ضروری است حقوق ایشان به میزان مطلوبی افزایش یابد تا

تفاوت فاحش میان حقوق قضات و درآمد وکلاء باعث خروج قضات از دستگاه قضایی نگردد. امروزه تقریباً در تمام دنیا قضات بیشترین حقوق را از دولتها دریافت می‌نمایند که فاکتور مهمی در پیشگیری از فساد محسوب می‌شود. برای مثال درآمد قضات ایالات متحده آمریکا معادل چهار برابر درآمد میانگین مردم این کشور است. قضات در سال ۲۰۱۰ در این کشور درآمد سالانه معادل ۱۷۴ هزار دلار تا ۲۲۳ هزار دلار داشته‌اند لیکن درآمد میانگین افراد عادی در این سال حدود ۵۰ هزار دلار بوده است (Neitz, 2013, p. 142). در آمد قضات این کشور در سال ۲۰۱۶ از ۲۰۳ هزار دلار تا ۲۶۰ هزار دلار در سال بوده است (Judicial compensation, 2018). همچنین به نقل از روزنامه گاردین؛ قضات عالی رتبه انگلستان در سال ۲۰۱۲ درآمد سالانه ۲۹۴ هزار یورویی داشته‌اند که از متوسط درآمد جامعه، هشت برابر بیشتر است. حقوق قضات در این کشور هفت برابر حقوق اعضای هیأت علمی دانشگاه‌هاست (خادم العموم، ۱۳۴۳، ص ۵۲). در سوییس این نسبت پنج برابر است (woman makes up only 25% of judges in England and wales, 2015). از این رو، نامه حضرت علی (ع) به مالک اشتر حاوی این مضمون است که حقوق قضات بقدری افزایش یابد که بی‌نیاز از سایرین باشند (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

۳. فعالیت قضات در فضای مجازی و ارتباط با رسانه‌ها

ارتباط رسانه و دادگاه از چند جنبه قابل بررسی است؛ نخست؛ استفاده از رسانه در داخل دادگاه جهت ارائه تصویر جلسه رسیدگی و انعکاس مستقیم جریان دادرسی به عموم مردم و همچنین خارج از جلسه دادرسی و اخذ توضیح از مقامات قضایی به منظور شفاف سازی و اطلاع رسانی که نحوه اجرای آن در قوانین آیین دادرسی کیفری کشورها پیش بینی شده است^۱ و معمولاً در خصوص پرونده‌های اقتصادی کلان و پرونده‌های افراد سرشناس جهت جلوگیری از ایجاد شک و تردید در جامعه نسبت به

^۱. برای مثال مراجعه کنید به مواد ۳۵۲ الی ۳۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری ایران مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی.

صحت و سلامت روند رسیدگی مورد استفاده قرار می‌گیرد و سیره عملی قضاوت امامان معصوم و به طور خاص قضاوت‌های حضرت علی علیه السلام در مسجد نیز مؤید این امر و اصل رسیدگی علنی در اسلام است (بهادری، حسینی، ۱۳۹۳، ص ۱۷). از آداب القضاء اسلامی نیز می‌توان چنین مطلبی را استنباط کرد. شهید ثانی در مسالک می‌گوید، از آداب قضاوت این است که قاضی در جایی بنشیند که برای مردمان مشخص و آشکار باشد مانند صحن یا محیط باز به گونه‌ای که امکان دسترسی همگان به آن محل آسان باشد (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۱۳/۳۶۵). این وظیفه و حق رسانه‌هاست تا اطلاعات را جمع‌آوری و به مردم منتقل نمایند و نیز در مورد اجرای عدالت، نحوه رسیدگی به پرونده‌های جاری و مختومه بدون نقض اصل برائت متهم و خدشه به اسرار مردم، از دادگستری توضیح بخواهند و به مردم اطلاع رسانی کنند. از این حق صرفاً باید در شرایطی عدول شود که مصادیق آن بخوبی در میثاق حقوق مدنی و سیاسی پیش بینی شده است^۱ و ترس از واکنش رسانه‌ها به تصمیمات قضایی توجیه مناسبی برای ممنوعیت یا محدودسازی این حق نمی‌باشد.^۲ بنابراین بدیهی است که ارتباط قاضی با رسانه‌ها در این حالت را نمی‌توان خلاف شأن قضایی دانست.

^۱..طبق بند ۱ ماده ۱۴ این میثاق؛ همه افراد در مقابل دادگاه‌ها و دیوان‌های دادگستری متساوی هستند. هر کس حق دارد دادخواهی او منصفانه و علنی در یک دادگاه صالح مستقل و بی طرف تشکیل شده طبق قانون رسیدگی شود و آن دادگاه درباره حقانیت اتهامات جزایی علیه او یا اختلافات راجع به حقوق و الزامات او در امور مدنی اتخاذ تصمیم به نماید. تصمیم به سری بودن جلسات در تمام یا قسمتی از دادرسی خواه به جهات اخلاق حسنه یا نظم عمومی یا امنیت ملی در یک جامعه دموکراتیک و خواه در صورتی که مصلحت زندگی خصوصی اصحاب دعوی اقتضاء کند و خواه در مواردی که از لحاظ کیفیات خاص علنی بودن جلسات مضر به مصالح دادگستری باشد تا حدی که دادگاه لازم بداند امکان دارد لیکن حکم صادره در امور کیفری یا مدنی علنی خواهد بود مگر آنکه مصلحت صغار طور دیگری اقتضاء نماید یا دادرسی مربوط به اختلاف زناشویی یا ولایت اطفال باشد.

^۲..تجربه عملی نشان داده است انتشار اخبار متهمان یقه سفید و افشاگری در خصوص مضمون پرونده های مهم و مرتبط با آنان، بدون آن که نتیجه ی عملی چندانی به همراه داشته باشد، مراجع قضایی را درگیر حواشی غیرضروری می نماید. از این رو اطلاع رسانی باید به نحو هدفمند، منطبق با مقررات و پس از عملی شدن اقدامات صورت گیرد. (ترزومی نژاد و جمشیدی، ۱۳۹۳، ص ۱۷۱)

دوم؛ تماس قاضی با رسانه‌ها در بیرون از دادگاه و اطلاع رسانی از کم و کیف رسیدگی به یک پرونده، که این امر تنها در صورتی که در مورد یک موضوع عمومی یا مورد علاقه عامه یا یک پرونده خاص باشد، مجاز است در غیر این صورت احتیاط این است که قاضی از ورود به جنجال‌های غیرضروری رسانه‌ای اجتناب نماید (united nation office on drugs and crime, 2007, pp. 66-67). ارائه توضیح به رسانه‌ها راجع به تصمیم قضایی خود یا قاضی دیگر و توجیه آن حتی از نقطه نظر علمی، کاری ناپسند محسوب می‌شود. قاضی نیازی ندارد تا در خصوص تصمیم خود به کسی توضیح دهد یا علل تصمیم‌گیری خود را برای دیگران توجیه نماید. او تنها در برابر مقامات مافوق صلاحیتدار، وظیفه پاسخگویی دارد. اگر رسانه‌ها یا فعالان اجتماعی تصمیمی را مورد انتقاد قرار دهند، قاضی باید خویشتن‌دار بوده و از جواب دادن به این انتقادات از طریق نوشتن در مطبوعات یا ارائه توضیحات ضمنی در مورد آنها هنگام برگزاری جلسه دادگاه خودداری نماید. قاضی باید صرفاً از طریق مستندات آراء خود در رسیدگی به پرونده‌هایی که نسبت به آنها اتخاذ تصمیم می‌شود، حرف خود را بگوید. برای قاضی شایسته نیست که بصورت علنی از دلایل قضایی خود دفاع نماید (ECOSOC, 2006/23).

سوم؛ استفاده از رسانه جهت انتقال دیدگاه‌های علمی و تخصصی فارغ از یک پرونده مشخص، که می‌تواند از طریق چاپ مقاله در روزنامه‌ها و مجلات، شرکت در سمینارها یا مصاحبه تلویزیونی جهت ارتقاء آگاهی عمومی از مسائل حقوقی اتفاق بیفتد. در این موارد نه تنها محدودیتی بر قاضی متصور نیست بلکه باید قاضی را تشویق به چنین فعالیت‌هایی و انتقال تجربیات و دانش حقوقی با دیگران نمود. با این حال زمانی که قاضی مقاله یا مطلبی می‌نویسد خواه مرتبط با قانون یا غیرمرتبط، باید دقت کافی در سوء استفاده از منصب قضایی را داشته باشد. همچنین حضور قاضی در یک شبکه رادیویی یا تلویزیونی تجاری ممکن است به عنوان پیشبرد منافع مالی آن شبکه یا حمایت کنندگان مالی آن شبکه تلقی شود. بنابراین در انجام این امر باید احتیاط لازم صورت گیرد.

چهارم؛ استفاده شخصی از رسانه‌ها بخصوص شبکه‌های مجازی نظیر فیس بوک

و تلگرام جهت ارتباط با سایرین و بیان نقطه نظرات شخصی. یکی از حساسترین موضوعاتی که در دهه‌های اخیر به فراخور رواج شبکه‌های اجتماعی در دنیا مورد توجه سیستم‌های قضایی کشورها قرار گرفته است، موضوع استفاده قضات از این شبکه‌ها است. شبکه‌های مجازی برنامه‌هایی بر بستر اینترنت هستند که به افراد اجازه به اشتراک گذاشتن اطلاعات و دانش و تجربیات‌شان را با یکدیگر می‌دهد (conference of court public Info, 2010, p. 26). این شبکه‌ها بدلیل سهولت در استفاده، قیمت پایین‌تر، تنوع شیوه‌های برقراری ارتباط و امکان مرتبط شدن با افراد در سراسر دنیا به ابزارهایی محبوب تبدیل شده‌اند که مورد استفاده همگان قرار می‌گیرد و قضات نیز از این امر مستثنی نیستند. آمارها نشان می‌دهد تا سال ۲۰۱۲ بیش از ۴۰ درصد قضات ایالات متحده امریکا از فضای مجازی بخصوص فیس بوک استفاده می‌نمایند (Crowell, 2015, p. 2). اداره امور مشورتی ایالت اوکلاهاما در استعلام بعمل آمده از آن اداره در خصوص اینکه آیا ارتباط قضات با وکلا یا مأمورین نیروی انتظامی یا بطور کلی افرادی که ممکن است در دادگاه نزد ایشان حاضر شوند در فضای مجازی نظیر فیس بوک یا توئیتر ممنوع است یا خیر؟ پاسخ داد؛ چنین ارتباطاتی نافی ممنوعیت ارتباط قاضی با طرفین پرونده و ناقض کد رفتار قضایی است و چنین ارتباطاتی اعتماد عمومی جامعه را به دستگاه قضایی خدشه‌دار می‌نماید (Oklahoma judicial ethics advisory panel, 2011, p. 3). همچنین کمیته اخلاق قضایی دیوان عالی ایالت ماساچوست در نظری مشابه اظهار داشت؛ این اشتباه است که قاضی را در قرینطه کامل و بدور از ارتباط با اجتماعی که در آن زندگی می‌کند قرار دهیم و استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی خود نوعی از این ارتباط است و ارسال تصویر و فیلم و نظرات شخصی در این فضا در صورتی که مطابق اصول رفتار قضایی باشد، ایرادی بر آن وارد نیست.^۱ طبق نظر این کمیته اینگونه فعالیت‌ها زمانی مغایر با اصول رفتار

^۱. ایالت‌های کالیفرنیا، ماساچوست، فلوریدا و اوکلاهاما هر گونه ارتباط دوستی در فضای مجازی با افرادی که در دادگاه حاضر می‌شوند را برای قضات ممنوع نموده‌اند در حالی که چهار ایالت اوهایو، کنتاکی و نیویورک و کارولینای جنوبی این اجازه را تحت شرایطی داده‌اند. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به:

OHIO Op. 2010-7; KY. Op. JE-1 19; OELA. Op. 2011-3; FLA. Op. 2010-5.

قضایی است که: الف - ارسال مطالب بر خلاف استقلال و بی‌طرفی دستگاه قضایی باشد. ب - ارسال مطالب مربوط به پرونده‌ای باشد که در برابر قاضی قرار دارد. ج - باعث ملحق شدن به هرگونه گروه‌ها و جنبش‌های مجازی شود. د - مبادرت به انجام فعالیت‌های سیاسی در فضای مجازی یا فعالیت در فضای مجازی با نام قاضی شود. ه - باعث ارتباط با هرگونه افرادی که ممکن است در دادگاه تحت هر عنوان نزد وی حاضر شوند، گردد (Massachusetts judicial ethics, 2011, p. 6).

بنظر می‌رسد در مورد شبکه‌های اجتماعی مجازی نتوان خصوصیتی قائل شد و همانند سایر وسایل ارتباطی باید با آن برخورد شود. در واقع تفاوت ماهوی میان ارتباط در فضای مجازی و سایر اشکال ارتباطات اجتماعی وجود ندارد. قاضی در خارج از فضای مجازی نیز ممکن است با وکلاء یا یکی از طرفین پرونده رابطه دوستانه‌ای داشته باشد. پس تفاوت چندانی میان روابط قاضی در فضای مجازی و دنیای حقیقی نیست، مضاف بر اینکه در فضای مجازی نام هر فردی که در لیست دوستان صفحه شخصی قاضی (فرنرز) قرار دارد، لزوماً به معنای دوستی آن فرد با قاضی نیست. همانطور که

And OHIO Op. 2010-7; S.C. ADVISORY COMM. ON STANDARDS OF JUDICIAL CONDUCT, Op. 17-2009 (2009), available at <http://www.judicial.State.Sc.us/advisoryOpinions/displayadvopin.cfm?AdvOpinNo-17-2009> [hereinafter S.C. Op. 17-2009]; and N.Y. ADVISORY COMM. ON JUDICIAL ETHICS, OP. 08-176 (2009). Available at www.nycourts.gov/ip/judicialethics/opinions/08-176.htm; and ETHICSCOMM. OF THE KY. JUDICIARY, FORMAL JUDICIAL ETHICS Op. JE-119 (2010), available at <http://www.courts.ky.govNR/rdonlyres/FA22C251-1987-4AD9-999BA326794CD62E/0/JE119.pdf> [hereinafter KY. Op. JE-119]; and OKLA. JUDICIAL ETHICS ADVISORY PANEL, JUDICIAL ETHICS Op. 2011-3. 2011 WL 3715149 (July 6, 2011) [hereinafter OKLA. Op. 2011-3]; and FLA. SUP. CT., JUDICIAL ETHICS ADVISORY COMM., Op. 2010-5 (2010). Available at <http://www.jud6.org/LegalCommunity/LegalPractice/opinions/jeacopinions/2010/2010-05.html> [hereinafter FLA. Op. 2010-5]; and MASS. JUD. ETHICS COMM., CJE Op. No. 2011-6, available at <http://www.mass.gov/courts/sjc/cje!2011-6n.html> [hereinafter MASS.Op. 2011-6].

قاضی باید از ارتباط تلفنی یا مستقیم با طرفین پرونده در خارج از چهارچوب دادگاه یا اظهارنظرهای شخصی غیرمسئولانه در سایر رسانه‌ها اجتناب نماید، باید همان محدودیت‌ها را در شبکه‌های اجتماعی مجازی نیز مراعات کند. قضات باید متوجه باشند هر آنچه در این شبکه‌ها به اشتراک می‌گذارند در دسترس عموم مردم قرار می‌گیرد و جامعه در مورد آنها نظر خواهند داد و با موشکافی، نوع رفتار قضات را در این شبکه‌ها رصد می‌نمایند. همچنین افزایش روابط با افراد در این شبکه‌ها بصورت ناخواسته باعث تعمیق روابط و وابستگی‌ها میان قاضی با آن افراد می‌شود، افرادی که ممکن است روزی به عنوان اصحاب پرونده در روبروی همان قاضی قرار گیرند و در آنصورت بی‌طرفی قاضی از میان خواهد رفت (Hull, 2013, p. 188). آنچه که در نظریات مشورتی کمیته‌های اخلاق قضایی ایالت‌های آمریکا آمده است نیز بیشتر تأکید بر حفظ استقلال و بی‌طرفی و جلوگیری از نفوذ ناروا بر قضات دارند (Wilson, 2012, p. 230). بنابراین با لحاظ قرار دادن این قیودات می‌توان گفت ارتباطات قاضی در شبکه‌های اجتماعی مجازی تا زمانی که همانند ارتباطات وی در دنیای حقیقی محل بی‌طرفی و استقلال او نباشد و استفاده او از فضای مجازی بر شایستگی‌های او تأثیر منفی نگذارد، ایراد و ممنوعیت کلی برای آن وجود ندارد.

۴. روابط عمومی قضات

به عنوان یک اصل کلی پذیرفته شده است که قاضی باید روابط محدودی با دیگران از خویشاوندان گرفته تا افراد عادی جامعه داشته باشد و گستردگی روابط اجتماعی قاضی همواره به عنوان موضوعی خلاف شأن وی مطرح شده است.^۱ در فقه حتی خرید مایحتاج شخصی توسط خود قاضی مکروه دانسته شد است (یزدی، ۱۳۸۴، ص ۸۹). صاحب جواهر می‌گوید، بهتر است قاضی برای امور شخصی، کسی را وکیل خود

۱. طبق ماده ۱۲ آیین نامه اجرایی قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۲؛ ارتباط نامتعارف با طرف پرونده و کلاء یا کارشناسان، همشینی با افراد ناباب و کسانی که دارای سوء شهرت هستند، خلاف شأن قضایی است.

کند (نجفی، ۱۴۳۴، ۴۰/۸۳) بنای این نظر که قاضی باید روابط اجتماعی محدودی با سایرین داشته باشد از آنجا نشأت می‌گیرد که این احتمال وجود دارد تا این افراد یا دوستان آنها روزی به عنوان اصحاب دعوا در روبروی مسند همان قاضی قرار گیرند و وجود رابطه صمیمی قاضی با ایشان سبب ورود خدشه بر اجرای عدالت از دید یک ناظر بیرونی شود. اما اینکه این نظر تا چه اندازه صحیح است و حدود آن تا کجاست، جای تأمل است. آنچه که به قطع و یقین می‌توان گفت این است که قطع ارتباط کامل قاضی با جامعه، از جمله خویشاوندان، دوستان مدرسه و دانشگاه، همکاران قبلی و دیگر همکاران حقوقی و افراد عادی که قاضی به حسب احتیاجات روزمره خود با آنها سر و کار دارد، نه برای خود قاضی سودمند است و نه جامعه. قاضی در خلال این ارتباطات نگرش صحیح‌تری از وضعیت جامعه پیدا می‌کند و به تبع قضاوت‌های وی نیز منطبق‌تر با واقعیات جامعه خواهد بود. سلامت و توانمندی قضایی در خلاء ایجاد نمی‌شود. اینها ویژگی‌هایی هستند که به مرور زمان در تعامل قاضی با سایر نهادهای اجتماعی بوجود می‌آید. بنابراین ضروری است تا تعادلی میان روابط اجتماعی قاضی و وظایف وی برقرار شود و هیچ شخصی بهتر از خود قاضی نمی‌تواند این تعادل را به نحو مطلوب برقرار نماید. قاضی به سبب تجربیاتی که به مرور بدست می‌آورد خود می‌تواند پیش‌بینی صحیحی از آینده ارتباط خود با افراد بدست آورد و برای مثال پیش‌بینی نماید که آیا آن فردی که با وی در ارتباط است گذرش به دادگستری افتاده یا خواهد افتاد و یا خیر. و همچنین دریابد که آن فرد چه هدفی را از این ارتباط دنبال می‌نماید. در همین راستا سند شرح اصول بنگلور به صراحت از قضات خواسته است تا روابط خود را با افرادی که احتمال زیادی برای قرار گرفتن ایشان در روبروی مسند قضاوت و به عنوان اصحاب دعوا وجود دارد، محدود نمایند. طبق این سند؛ قاضی باید از توسعه روابط با افرادی که اغلب در روبروی مسند قضاوت وی قرار می‌گیرند همانند افراد سابقه‌دار، مأموران پلیس، مقامات شهرداری و ادارات دولتی اجتناب نماید (united nation office on drugs and crime, 2007, pp. 85-91).

شئون سازمانی

هر چند نحوه رفتار و شخصیت قاضی است که باعث ارج و اعتلای جایگاه او می‌شود اما این شأن و جایگاه باید در وهله اول توسط خود قوه قضاییه مراعات شود تا این موضوع به دیگر دستگاه‌ها، جامعه و قاضی تسری یابد. ساختمان دادگستری، اتاق کار، امکانات رفاهی اداره، منزل سازمانی، خودرو سازمانی و سایر ملزوماتی که در اختیار قاضی قرار می‌گیرد، باید همگی در شأن جایگاه قاضی باشد. توجه ویژه به شأن و شخصیت قاضی باعث می‌شود تا خود قاضی نیز قدر و ارج جایگاه والای خود را بیشتر بداند و آن را به مسائل ناشایست و حقیر آلوده نسازد. همانگونه که امام علی (ع) می‌فرمایند، بهترین روش برای نظارت بر رفتار قضات توجه ویژه بر گزینش و جذب افراد فرهیخته و ارتقاء هر چه بیشتری شأن سازمانی قاضی است. امام علی (ع) در نامه خود به مالک اشتر در گزینش قاضی این چنین می‌فرماید؛ برای قضاوت میان مردم کسی را انتخاب کن که او را از همه برتر می‌دانی، کسی که مراجعه فراوان او را به ستوه نیاورد و رفتار خصمان او را به لجاجت نکشاند و بر اشتباه خود پافشارد، و آنگاه که حق را شناخت در بازگشت به آن بخل نرزد و نفس او به هیچ طمع‌ی نگاه نکند و تا همه حقیقت کشف نشود به اندک فهمی اکتفا نکند. کسی که درنگش در شبهات از همه بیشتر و بیش از همه اهل حجت و دلیل باشد و از مراجعه طرفین دعوا کمتر به ستوه آید و در کشف حقیقت امور از همه بردبارتر و بر روشن شدن حکم از همه قاطع تر باشد. کسی که ستایش او را سست نکند و ترغیب او را به جانبی گرایش ندهد و پس از انتخاب آنقدر به او ببخش که نیازهای او برطرف شود و از نظر مقام و منزلت آنقدر او را گرامی بدار که نزدیکان تو به نفوذ در او طمع نکنند تا از توطئه آنان در نزد تو در امان باشد (نهج البلاغه، نامه ۵۳). هر چه احترام به قاضی در همه سطوح اداری و در جامعه افزایش یابد، شاهد سلامت و صلابت بیشتر در دستگاه قضایی خواهیم بود. سخت‌گیری بیش از حد و در پیش گرفتن رویه جاسوسی در زندگی قضات برای کنترل آنان، نتیجه معکوس خواهد داشت. با وضع قوانین سخت‌گیرانه و خشک و افزایش محدودیت‌ها بر قاضی و تشدید مجازات‌های انتظامی نمی‌توان قاضی را اصلاح کرد (مهدوی، ۱۳۴۳، ص ۲۰). باید آفت‌های منصب قضا را با ایجاد احساس تنفر

نسبت به این امور در خود قاضی مطرود نمود تا اینکه با افزایش محدودیت‌ها بدنبال دور ساختن قضات از آیین آفت‌ها از طریق قهر و اجبار باشیم. انسان ذاتاً از هر چه منع شود بدان حریت‌تر می‌شود، بنابراین رعایت شئون قضایی با ایجاد محدودیت محقق نمی‌شود بلکه دادگستری باید شرایطی فراهم کند که قضات با میل و اراده درونی و از روی آگاهی و اختیار محدودیت‌های مربوط به شأن قضایی را بپذیرند و رعایت نمایند. به همین جهت است که در اسلام نیز بیشتر به شخصیت قاضی و دقت در انتخاب قاضی توجه شده است تا تنبیه و مجازات او. در واقع اسلام خواسته است تا به قضات شخصیت و جایگاهی خاص و ممتاز از مردم بدهد تا تحت همین شخصیت از انحرافات احتراز نمایند و این رویه بهترین شیوه برای اصلاح دادگستری است زیرا هم جایگاه دستگاه قضایی را در جامعه اعتلا می‌بخشد و هم ارتقاء حس شخصیت و القاء آن به قضات بهترین عامل بازدارنده انحراف قاضی از مسیر عدالت است. احساس شخصیت والاست که انسان را وادار به تحمل سختی‌ها و ناملایمات و صبر و بردباری در برابر تمایلات نفسانی می‌نماید. اگر حس مذکور وجود نداشته باشد و فرد در خود احساس شخصیت فرهیخته نکند، هیچ قانونی هر چقدر سخت‌گیرانه قادر نیست وی را ملزم به رعایت مسائل اخلاقی نماید (همان، ص ۲۱).

بنابراین بزرگترین عامل آسیب به شأن قضات، عدم توجه به جایگاه سازمانی ایشان توسط دیگران اعم از خود دادگستری، سایر نهادها و مردم است. برای اینکه قضات درستکار داشته باشیم ابتدا باید شیوه‌گزینش آنان بر اساس شایسته‌سالاری باشد و حقوق مکفی به ایشان پرداخته شود و امکانات مادی متناسب با جایگاه ایشان به آنان داده شود و از حجم کار آنان کاست و به جایگاه ایشان احترام گذاشت (McKay, 1970, p. 26). احترام عمومی نسبت به دستگاه قضایی و استقلال و بی-طرفی آن، سلامت قضات و کارآمدی فرایندهای گزینش قضات، سیستم قضایی یک کشور را پایدار نگه می‌دارد. آنگونه که یکی از قضات عالی رتبه دیوان عالی آمریکا بیان داشته: اقتدار دادگاه ... نه با پول و نه با شمشیر بدست می‌آید... بلکه مبتنی بر اعتماد عمومی پایدار نسبت به ضمانت اجرای معنوی آن است. این احساس باید از طریق جدایی کامل دادگاه، در واقعیت و در ظاهر، از مناقشات سیاسی و با خودداری از ورود

به برخورد نیروهای سیاسی در تسویه حساب‌های سیاسی و حمایت از حقوق مردم در برابر افراد با نفوذ پرورده شود (united nation office on drugs and crime, 2007, p. 29). مردم برای دفاع از حقوق خود در برابر قدرت فائقه حکومت، پناهگاهی جز قوه قضائیه ندارند. قوه قضائیه در برابر سایر قوا باید به گونه‌ای رفتار نماید که جایگاه آن همواره حفظ شود. اتخاذ مواضع ضعیف در برابر دولتمردان و نمایندگان مجلس بشدت وجهه دادگستری را در میان مردم مخدوش می‌نماید و این خدشه به طور مستقیم بر شأن قاضی در جامعه تأثیر می‌گذارد. صرف بیان شعار عدالت گستری بدون اینکه عملاً اقدامی در اینخصوص صورت گیرد و مردم در واقع این موضوع را لمس نمایند که با مفسدین در هر رده‌ای که هستند برخورد می‌شود، دادگستری را سازمانی دورو و فریبکار جلوه‌گر خواهد ساخت که اعتماد عمومی به آن را از میان خواهد برد و زمانی که مردم اعتمادی به دادگستری نداشته باشند، احترامی برای شأن و جایگاه آن قائل نخواهند شد و این بی‌احترامی خواه ناخواه به قضات که به طور رو در رو با مردم سر و کار دارند، منتقل می‌شود و آنگاه انتظار زیادی است که از قاضی توقع داشته باشیم به تنهایی و یک تنه با صرف رعایت نزاکت قضایی فردی، شأن دستگاه قضایی را حفظ نماید. از اینرو توجه مدیران ارشد قوه قضائیه به اعتماد عمومی مردم حائز اهمیت است و باید برای ارتقاء آن برنامه‌های مشخصی داشته باشند. اعتماد مردم به دادگستری باعث می‌شود تا هر چه بهتر به احکام محاکم تمکین شود و تقابل میان مردم و دادگستری کاهش چشمگیری یابد.

تدوین کد رفتار قضایی در ایران

همانطور که گفته شد تشخیص مصادیق رفتار خلاف نزاکت قضایی امری دشوار و مبهم است. حقیقت این است که علیرغم تمام توضیحات بیان شده، همچنان نمی‌توان تمام مصادیق شئونات قضایی را به طور صریح مشخص کرد. بخشی از این مشکل به ماهیت متنوع و متغیر نزاکت قضایی مربوط می‌شود که در هر دوره یا اجتماعی تغییر می‌کند. بخش دیگر به نبود قوانین شفاف باز می‌شود. به طور کلی می‌دانیم که باید میان

دو اصل تعادل و توازن برقرار شود. یکی توجه به استقلال و بی طرفی و تسهیل دست-یابی به عدالت، و دیگری عدم انزوای قضات از جامعه. با هدف قرار دادن این دو اصل می توان گفت ملاک و معیار تشخیص بی نزاکتی این است که آیا رفتار انجام شده توسط قاضی توانایی او در انجام مسئولیت های قضایی را همراه با سلامت، بی طرفی، استقلال و شایستگی او به مخاطره می اندازد یا خیر و در ذهن یک ناظر متعارف چنین تصویری ایجاد می نماید که به توانایی قاضی برای انجام وظایف وی صدمه وارد شده است یا خیر؟ اگر پاسخ این سؤال مثبت باشد آنگاه می توان گفت که آن رفتار خلاف شأن قضایی است. با این حال همچنان عرصه قضاوت های شخصی از تعبیر رفتارهای خلاف نزاکت باز است که برای کاستن از آثار سوء این امر، راه حل در تصویب قوانین شفاف در خصوص مصادیق رفتار خلاف شأن قضایی است. مصادیقی که هم شامل رفتارهای شخصی و خصوصی قاضی می شود و هم شامل رفتارهای حرفه ای او. هر چند رعایت این مصادیق از قدیم الایام در میان صنف قضات رواج داشته است اما اقتضائات سیاسی و اجتماعی جامعه کنونی ایجاب می نماید تا رفتارهای مورد انتظار از قضات به صورت مدون و روشن در آید تا اجرای آن ملموس و قابل پیگیری باشد. بدون وجود کد رفتاری، تعیین حد و مرزهای رفتاری دشوار خواهد شد و قضات را در برزخی از تمییز میان رفتار درست از نادرست قرار می دهد (Knaul, 2014, para.72).

در واقع برای استمرار سیستم حقوقی ضروری است تا معیارهای رفتاری هم در داخل و هم در خارج دادگاه وجود داشته باشد که در راستای حفظ اعتماد عمومی و احترام به شأن قضاوت طراحی شده است (Thomas, 1988, p. 7). متأسفانه در حقوق ایران علیرغم وجود پیشینه غنی در فقه اسلامی در باب آداب القضاء، قانون در این زمینه ساکت است و آنچه به عنوان نزاکت قضایی یاد می شود همان اصول اخلاقی است که در فقه به صورت پراکنده آمده است و بدیهی است تا زمانی که به صورت یک مجموعه قانونی جمع آوری و تدوین نگردد، صرفاً جنبه توصیه اخلاقی دارد و ضمانت اجرایی بر آنها بار نخواهد شد و همین امر مهمترین علت در عدم توجه به آداب قضای اسلامی در حقوق ایران است. بنابراین ضرورت دارد تا مانند سایر کشورها هر چه سریعتر جهت کاستن از مشکلات موجود با تصویب قانون نسبت به شفاف سازی

مصادیق نزاکت قضایی اقدام شود. در این بخش سعی خواهیم کرد تا اصول کلی تدوین چنین کد رفتاری را با بهره بردن از تجارب سایر کشورها از جمله کد رفتاری ایالات متحده آمریکا تشریح نماییم.

تصویب چنین قوانینی با عناوین مختلف نظیر کد رفتار قضایی^۱، اصول رفتاری^۲ یا اصول راهنما^۳، در سطح کشورهای جهان پدیده‌ای جدید محسوب می‌شوند. قبل از دهه ۱۹۷۰ کدهای تفصیلی رفتار قضایی فقط در ایالات متحده آمریکا وجود داشت. پس از آن کدهای رفتار قضایی در برخی از کشورها، به ویژه کشورهایی که نظام حقوقی عرفی دارند توسعه پیدا کرد. اما در سالهای اخیر اکثر کشورها، کدهای رفتار قضایی را یا با تصویب اصول بنگلور^۴ یا با الهام گرفتن از آن تصویب کرده یا در حال آماده کردن آن هستند، کشورهایی مانند فیلیپین، صربستان، اردن، افغانستان، بلاروس، بولیوی، بلغارستان، بورکینافاسو، انگلستان، و ولز، اکوادور، آلمان، رومانی، یونان، مجارستان، عراق، لاتویا، لیتوانی، مکزیک، هلند، نیجریه، ازبکستان و ونزوئلا (united nation office on drugs and crime, 2007, p. 128) اسپانیا در قانون دستگاه قضایی فهرستی از ۳۹ رفتار ناقض قواعد انضباطی ذکر کرده است. فرانسه و هلند در حال تدوین کد رفتاری لازم الاجرا هستند و ایتالیا در سال ۲۰۰۶ این کد را تصویب کرده است. در بیشتر کشورهایی که کد رفتاری را تصویب کرده‌اند این کدها به مثابه یک سند زنده محسوب می‌شوند که مدام در حال تغییر و بروز رسانی هستند زیرا مسئولیت‌ها و تلقی عمومی از استانداردهایی که قضات باید از آنها تبعیت کنند، مدام در حال تغییر و تحول می‌باشند (guide to judicial conduct of England and Wales, 2008). کدهای رفتاری بسته به نظام حقوقی کشورها از نظر ساختاری و نحوه اجرا متفاوت هستند. از لحاظ ساختاری کدهای رفتاری مصوب کشورهای دارای نظام حقوق مدون با کشورهای حقوق عرفی متفاوت است. در این کشورها قواعد

1. Code of Judicial Conduct

2. Basic Principle

3. Guideline Principle

4

Available at:

www.unodc.org/pdf/corruption/corruption_judicial_res_e.pdf.

انضباطی همانند ساختار قوانین کیفری تنظیم می‌شوند اما در کشورهای دارای نظام حقوقی عرفی کدهای رفتار قضایی مجموعه‌ای از اصول کلی هستند که الهام‌بخش رفتار قضایی می‌باشند. در کشورهای کامن‌لا این اصول با عبارات کلی، ارزش‌های بنیادین کار قضایی را تشریح می‌کنند. ارزش‌هایی نظیر استقلال، بی‌طرفی، سلامت، پشتکار و شایستگی. سپس به دنبال این اصول فهرستی از قواعد می‌آیند که قضات باید یا نباید انجام دهند. اگرچه این اصول لازم الاجراست اما هر نوع نقض این اصول منتهی به اعمال مجازات نمی‌شود. عواملی مانند میزان شدت نقض قاعده، دفعات نقض، تبعات منفی نقض قاعده برای وجهه دستگاه قضایی در این مسئله دخیل هستند. در ایتالیا و آمریکا (هم در سطح ایالتی و هم فدرال) نقض کد رفتاری ممکن است مجازات‌هایی را برای قضات در پی داشته باشد. در سایر کشورها کدهای رفتاری قواعد الزام آور تلقی نمی‌شوند بلکه بیشتر راهنمای ایده‌آلی برای رفتار قضایی هستند مانند کاندا، انگلستان و استرالیا. در کشورهای دارای نظام حقوقی مدون، تصویب کد رفتاری از آمار کمتری برخوردار است. در کشورهایی مانند فرانسه، اتریش، بلژیک، دانمارک، فنلاند و سوئد کد رفتاری وجود ندارد. در این کشورها آراء انضباطی تا حد زیادی در راستای اجرای اصول کلی و مبهم صادر می‌شود. در نتیجه در این کشورها علم به اینکه چه چیزی نادرست است و رفتار قضایی قابل مجازات تلقی می‌شود، فقط از طریق تحلیل آراء انضباطی قابل استخراج است، موضوعی که در ایران نیز صادق است و این مسئله کار را هم برای مردم عادی در شناخت رفتارهای صحیح قضایی و هم برای حقوقدانان و بخصوص خود قضات دشوار می‌نماید. در این کشورها اختیارات گسترده مقامات انضباطی مانند دادگاه انتظامی بدلیل روشن نبودن اصول رفتاری قضات، تهدیدی علیه استقلال قضایی محسوب می‌شود زیرا این مقامات می‌توانند با تفاسیر شخصی خود قضات را تحت فشار قرار دهند و یا بر عکس بلحاظ اینکه اعضای مقامات انضباطی از خود قضات هستند، بهنگام برخورد انضباطی با همکار خود رفتار ملایم و با اغماض نشان دهند. بنابراین ضرورت تدوین کد رفتاری انکار ناپذیر است. همانطور که گفته شد اولین نمونه از تصویب کد رفتار قضایی متعلق به ایالات متحده آمریکا است که بسیاری از کشورها با الگو گرفتن از آن مبادرت به تدوین کد

رفتاری مشابه نموده‌اند. کد رفتاری این کشور نخستین بار در ۱۹۷۳ بتصویب کنفرانس عالی قضایی رسید که پس از آن در سالهای ۱۹۸۷، ۱۹۹۶، ۱۹۹۲، ۱۹۹۹، ۲۰۰۰، ۲۰۰۹ و ۲۰۱۴ مورد اصلاح و بازنگری قرار گرفت که این تعداد بازنگری خود گواه ماهیت پویای این قواعد است. براساس آخرین اصلاحیه کد رفتاری قضات آمریکا در سال ۲۰۱۴^۱ پنج اصل کلی برشمرده شده که در ذیل هر اصل پس از ارائه تعریف، اهداف و مقتضیات آن اصل تبیین شده است و سپس با ذکر مصادیق بصورت تفصیلی از ابهام اصول کاسته شده است. اصول کلی مذکور عبارتند از؛ یک - قضات باید سلامت و استقلال قضایی را رعایت نمایند. دو- قضات باید در تمام فعالیتهای خود از رفتار خلاف شئونات و ظاهر خلاف شأن خودداری نمایند. سه - قضات باید وظیفه خود را منصفانه، بیطرفانه و با پشتکار انجام دهند. چهار - قضات می‌توانند در فعالیتهای غیر قضایی که سازگار با وظایف قضایی ایشان باشد، شرکت نمایند. پنج - قضات باید از فعالیت‌های سیاسی دوری کنند. در ذیل اصل دوم این سند به سه نکته اشاره شده است. نخست؛ احترام به قانون. قاضی باید در هر حالتی قانون را رعایت نماید و در همه احوالات به گونه ای رفتار کند که اعتماد عمومی به دستگاه قضایی جلب شود. انجام هر گونه رفتاری که باعث ایجاد شک معقول در یک ناظر بیرونی نسبت به صلاحیت قاضی می‌شود، ممنوع است. این ممنوعیت به هر دو رفتار حرفه‌ای و شخصی قاضی تسری می‌یابد و از آنجایی که تهیه لیست کامل از رفتارهای ممنوعه عملی نمی‌باشد، این ممنوعیت به صورت کلی به نقض قانون، نقض قواعد دادگانی و نقض قواعد این سند اطلاق می‌شود. دوم؛ عوامل بیرونی. قاضی نباید اجازه دهد روابط خانوادگی، سیاسی، اقتصادی و سایر روابط بر رفتار قضایی او تأثیر بگذارد. قاضی نباید منافع شخصی خود را بر اعتماد عمومی نسبت به دستگاه قضایی ترجیح دهد و برای مثال با استفاده از سمت قضایی خود منافی را برای خود یا دوستان یا اعضای خانواده خویش بدست آورد. قضات باید نسبت به سوء استفاده‌های احتمالی از جایگاه خود هوشیار باشند و برای مثال به صورت ابتدایی نسبت به اظهارنظر در خصوص علل آراء خود به

¹ . Available at: <http://www.uscourts.gov/judges-judgeships/code-conduct-united-states-judges>.

رسانه‌ها مطلبی بیان ننمایند. ارائه پاسخ به درخواست‌های این چنینی بصورت رسمی بلامانع است. سوم؛ عدم انجام فعالیت تبعیض آمیز. قاضی نباید در هیچ سازمان یا گروهی که فعالیت تبعیض آمیز بر اساس نژاد، مذهب یا ملیت دارد، عضویت داشته باشد. عضویت قاضی در چنین گروه‌هایی این پیغام را به مردم می‌دهد که قاضی بیطرفی خود را نادیده گرفته است. در ذیل اصل‌های دیگر نیز به مصادیق رفتار خلاف نزاکت اشاره شده است. در ذیل اصل سوم آمده است؛ قضات باید پاسدار صداقت و قانون باشند و نباید از روی فشار افکار عمومی، تمایلات شخصی و ترس از انتقاد تصمیم‌گیری نمایند. قضات باید قانون و نظم را در تمام مراحل رسیدگی رعایت نمایند و باید نسبت به طرفین، شهود، اعضای هیأت منصفه، وکلا و سایر افرادی که در برابر وی می‌ایستند صبور، مؤدب و باوقار باشد. قاضی باید به همه طرفین حق کامل برای شنیده شدن اظهاراتشان و پاسخگویی به ادعاهای همدیگر را بدهد. در ذیل اصل چهارم نیز آمده است؛ قضات می‌توانند در فعالیتهای غیر قضایی نظیر فعالیتهای خیریه، مذهبی، اجتماعی، آموزشی و اقتصادی شرکت نمایند بشرطی که سلامت دستگاه قضایی را زیر سؤال نبرد و مانع از انجام فعالیت اصلی قاضی یعنی دادرسی نشود و بر چهره بی‌طرف قاضی خدشه وارد ننماید. قضات همچنین می‌توانند به عنوان مشاور در سازمانهای عام المنفعه فعالیت نمایند اما نمی‌توانند داور یا وکیل در دعاوی افراد باشند. قضات می‌توانند سرمایه‌گذاری نمایند و اموال منقول یا غیر منقول داشته باشند یا در فعالیتهای اقتصادی خانوادگی (اعضای خانواده تا درجه سه) سهام‌گردند. به هر حال قضات باید از قضاوت در پرونده‌هایی که در آن منفعت یا ضرر مالی متوجه آنان است و همچنین از دریافت هر گونه هدیه‌ای اجتناب نمایند. برای اهداف این سند قضات ملزم نیستند تا درآمدها و بدهی‌ها یا سرمایه‌گذاریهای خویش را فاش نمایند. بر اساس توضیحات آمده در ذیل اصل پنجم؛ قضات به طور کلی از انجام فعالیتهای سیاسی به استثنای آنچه در توضیحات اصل چهارم این سند آمده است منع شده‌اند و نباید ریاست سازمانهای سیاسی را بر عهده بگیرند. همچنین نباید به نفع کاندیداهای سیاسی فعالیت یا تبلیغ نمایند و باید از ارائه کمک مالی به نهادهای سیاسی خودداری کنند.

بنابراین با توجه به تجارب سایر کشورها و مصادیقی که به اختصار از کد رفتار

قضایی آمریکا بیان شد و با توجه به مفهوم و مقتضیات نزاکت قضایی، می توان گفت در تدوین کد رفتاری قضاات در ایران باید به نکات ذیل توجه شود: ۱- تصویب هر گونه کد رفتاری در ایران باید متناسب با مقتضیات کشور بخصوص توجه به مذهبی بودن جامعه ایران صورت گیرد. در این زمینه بهر بردن از پیشینه فقهی موجود در خصوص آداب القضاء بسیار کمک خواهد کرد. ۲- در تدوین کد رفتاری باید از تجربیات سایر کشورها و اسناد بین المللی از جمله سند بنگلور استفاده نمود. ۳- کد رفتاری باید رویکردی مشارکتی و منعکس کننده استانداردهای اخلاقی و چالش های روز جامعه باشد. هر چه رابطه نزدیکتری میان کدهای رفتاری و شرایط کار قضاات برقرار باشد، تبعیت از آنها بیشتر می شود. ۴- مطلوب است کد رفتاری که برای تنظیم و تنسيق رفتار قضاات تدوین می شود، در بردارنده اصول اساسی دستگاه قضایی باشد و خواسته های قضاات در ایران را مدنظر قرار دهد. ۵- در تدوین کد رفتاری برای پرهیز از ابهام و تفاسیر گوناگون باید سه نکته را رعایت کرد. نخست؛ بخش واژه شناسی به منظور تبیین معنای عبارات و کلمات موجود در کد رفتاری وجود داشته باشد. دوم؛ به دنبال هر قاعده توضیحاتی آورده شود که اقتضائات و اهداف را توضیح داده و مصادیقی از قاعده را ذکر نماید تا از ابهام قواعد بکاهد. سوم؛ تعریف یک نهاد مشخص جهت اخذ نظر مشورتی از سوی قضاات در صورت تردید و ابهام در معنای قواعد. این نظرات مشورتی می تواند الزام آور یا غیرالزام آور باشد. ۶- کد رفتاری باید توسط خود دستگاه قضایی تهیه شود. در غیر این صورت استقلال قضایی تا حد زیادی آسیب می بیند. همچنین کد رفتاری که توسط خود قضاات تدوین شود بهتر مورد تبعیت سایر قضاات قرار می گیرد. ۷- تدوین کدهای رفتاری باید با مشارکت سایر افرادی که به نحوی با دادگستری ارتباط دارند نظیر وکلاء، دانشگاهیان، حوزه های علمیه و نهادهای مدنی صورت گیرد تا منعکس کننده دیدگاه مراجعہ کنندگان به دادگاه ها نیز باشد. ۸- کد رفتاری باید سند زنده و پویا باشد و در زمانهای مختلف در پرتو چالشهای اخلاقی و رفتاری ایجاد شده مورد اصلاح و بازنگری قرار گیرد. ۹- ضروری نیست تا این کد حتما به عنوان قانون بتصویب مجلس برسد بلکه در قالب بخشنامه و دستورالعمل درون سازمانی قوه قضائیه نیز راه گشا خواهد بود. تجربه سایر کشورها نشان داده است

که این کدها حتی اگر الزام آور نباشند راهنمای خوبی برای قضات و آراء انطباطی هستند.

نتیجه گیری

کم رنگ شدن توجه به مسائل اخلاقی و شئون قضایی باعث شده تا در سالهای اخیر علیرغم تلاشهای فراوانی که در زمینه استانداردسازی دادگستری انجام شده و علیرغم گسترش نظارت بر کار قضات و برخوردهای انتظامی، همچنان نارضایتی عمومی از عملکرد دادگستری رو به فزونی باشد. در واقع با افزایش آگاهیها از حقوق بشر، توقعات و انتظارات مردم از دادگستری به سرعت در حال افزایش است به گونه ای که سرعت دادگستری در اصلاح ساختارهای خود و پیاده سازی نرمهای اخلاقی و حقوقی جوابگوی روند رو به رشد این توقعات و جلب اعتماد عمومی نمی باشد. بازسازی اعتماد عمومی به دادگستری مستلزم ارائه صحیح خدمات و نمایش سطح بالایی از اقتدار، استقلال، بی طرفی، سلامت و نزاکت قضایی است که در این میان نزاکت قضایی به عنوان نمود ظاهری این تلاشها که در مقابل دیدگان مردم قرار می گیرد، حائز اهمیت بیشتری است. هر چند تبیین تمام مصادیق نزاکت قضایی بدلیل ماهیت پویا و چند وجهی آن دشوار و غیرممکن بنظر می رسد اما با تصویب کد رفتاری قضایی می توان تا حدود زیادی از این ابهام کاست. در این راستا علیرغم اینکه فقه اسلامی در زمینه شئون قضایی بسیار غنی و پر بار است و علیرغم سابقه بسیار قدیمی تر فقه اسلامی در زمینه آداب القضاء نسبت به کشورهای غربی از جمله خود آمریکا به عنوان پیشگام کشورها در تدوین کد رفتار قضایی، متأسفانه در ایران تلاشی جهت جمع آوری و تدوین این اصول بصورت مجموعه قانونی بعمل نیامده و همین امر باعث سردرگمی و ابهام در تبیین شئون قضایی شده است. بنابراین ضروری است تا مسئولان ارشد قوه قضائیه ایران هر چه سریعتر با تدوین کد رفتار قضایی، مصادیق رفتارهای خلاف شئون قضایی را به طور صریح و شفاف مشخص نمایند تا هم قضات از سردرگمی در آیند و استقلال ایشان حفظ شود و هم دستگاههای نظارتی تکلیف خود را در مواجهه با رفتارهای خلاف شأن قضایی بدانند.

منابع

۱. آساکوچی، آندرا، «استقلال و بی طرفی قضات، شرط بنیادین محاکمه عادلانه»، **ماهنامه قضاوت**، شماره ۴۷، مهر و آبان، ۱۳۸۶.
۲. بهادری، علی، لطیفه، حسینی، «اصول دادرسی عادلانه در پرتو اندیشه اسلامی و نظام حقوقی داخلی»، **دو فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی**، شماره ۷، سال سوم ۱۳۹۳.
۳. ترزومی نژاد، وحیده، شهرام، جمشیدی، «نقش رسانه و مطبوعات در تصمیمات کیفری قضات و اجرای احکام مبتنی بر عدالت»، **مجله مطالعات رسانه‌ای**، شماره ۳، سال نهم، پاییز ۱۳۹۳.
۴. تنهایی، ابوالحسن، در آمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی، مشهد، نشر مرندیز، ۱۳۷۱.
۵. حلی، نجم‌الدین جعفر بن حسن؛ **شرائع الاسلام فی الحلال و الحرام**؛ ج ۴، چ ۲، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸.
۶. خادم‌العموم، علی، «عدالت در انگلستان بخش ۴»، **مجله کانون وکلا**، شماره ۹۰، خرداد و تیر ۱۳۴۳.
۷. شهیدی، سپیده، رضا، ایران مهر، «شرافت شغلی و استقلال در رأی اساس کار قضات است»، **مجله قضاوت**، شماره ۶۸، اسفند ۸۹.
۸. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، **شرح لمعه**، قم، انتشارات دآوری، ۱۴۱۰ق.
۹. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، **مسالك الافهام**، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۳ق.
۱۰. صوفی ابادی، محمود، «بررسی شرط عدالت در قاضی و شاخصه‌های عدالت قضایی در فقه و حقوق ایران»، **مجله پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی**، شماره ۱۵، دوره ۵، بهار ۱۳۸۸.
۱۱. کریم زاده، احمد، آراء دادگاه‌های عالی انتظامی قضات در امور کیفری، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۱.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، **اصول کافی**، ج ۳، چ ۱، ترجمه و توضیح سیدمهدی

- آیت‌اللهی، تهران، انتشارات جهان‌آرا، ۱۳۸۶.
۱۳. مهدوی، ابراهیم، «دادگستری چیست؟ وظائف آن کدام است؟ قضات چه کسانی هستند؟»، *مجله کانون وکلا*، شماره ۸۹، فروردین و اردیبهشت ۱۳۴۳.
۴۴. نجفی، محمدحسن، *جواهر الکلام فی شرایع الاسلام*؛ ج ۴۰، ج ۱، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۳۴ق.
۱۵. یزدی، محمدعلی، «آداب قضاوت»، *مجله فقه اهل بیت*، شماره ۴۱، ۱۳۸۴.
16. Bybee, Keith, **US. Public perception of the judiciary: mixed law and politic**, Jurist-Forum, 2011. available: <http://jurist.org/forunV2011/04/us-public-pereption-of-the-judiciary-mixed-law-and-politics.php>.
17. Crowell, Michael, **judicial ethics and social media**, School of Government, University of North Carolina, 2015. available at: <https://www.sog.unc.edu/sites/www.sog.unc.edu/files/Judges%20social%20media%20July15.pdf>.
18. ECOSOC, **strengthening basic principles of judicial conduct**, Annex, Bangalore Principles of Judicial Conduct, 2006/23.
19. Geyh, Charles Gardner, *When Courts & Congress Collide: The Struggle for Control of America's Judicial System*, London, Resnik, 2006.
20. Guide to Judicial Conduct of England and Wales, Available at: www.judiciary.gov.uk/Resources/JCO/Documents/guidance_guide_to_judicial_conduct_update_2008.pdf.
21. Hartley, Roger E. & Douglas, James W., budgeting for state courts: the perceptions of key officials regarding the determinants of success, 24 JUST. Sys. J. 251, 2003.

22. Hartley, Roger E., "it is called lunch: judicial ethics and the political and legal space for the judiciary to lobby", **Arizona law review**, Vol. 56:383, 2014.
23. Hullt, Helia Garrido, "why we can't be friends: preserving public confidence in the judiciary through limited use of social networking", **Syracuse Law Review**, Vol. 63:175, 2013.
24. Judicial compensation, available at: <http://www.uscourts.gov/judges-judgeships/judicial-compensation>.
25. Knaul, Gabriela, report of the special rapporteur on the independence of judges and lawyers to human right council, 2014, A/HRC/26/32.
26. Massachusetts judicial ethics commentary, CJE opinion, 2011. available at: <http://www.mass.gov/courts/sjc/cje/2011-6n.html>
27. McKay, Robert B., "the judiciary and non-judicial activities", **Law & Contemp. Probs.** 9 1970.
28. New media and the courts: the current status and a look at the future, new media come of the conference of court publican Info. officers (Aug. 26, 2010). available at: <http://www.ccpio.org/documents/newmediaproject/New-Media-and-the-Courts-Report.pdf>.
29. New York advisory commentary on judicial ethics opinion, 2009. Available at: www.nvcourts.gov/ip/judicialethics/opinions/08-176.htm;
30. Neitz, Michele Benedetto, "socioeconomic bias in the

- judiciary", **Cleveland State Law Review**, Vol. 61:137, 2013.
31. Okla. judicial ethics advisory panel, judicial ethics opinion 2011. Available at: <http://www.oscn.net/applications/oscn/DeliverDocument.asp?CiteID=464147>.
32. Thomas, J.B., **judicial ethics in Australia**, Sydney, Law Book Company, 1988.
33. united nation office on drugs and crime, **commentary on the Bangalore principles of judicial conduct**, September 2007.
34. united nations office on drugs and crime, **resource guide on strengthening judicial integrity and capacity**, judicial group on strengthening judicial integrity, Vienna, 2011.
35. Vickrey, William C., Dunn, Joseph L. & Kelso, J. Clark, "access to justice: a broader perspective", **Loy. L.A. Rev.** 1147, 1182-84, 2009.
36. Virginia canons of judicial conduct.
37. Wilson, Aurora J, "let's Be Cautions Friends: The Ethical Implications Of social networking for members of the judiciary", **Washington journal of law, technology & arts**, volume 7, ISSUE 3 Winter 2012.
38. Wood, David, **judicial ethics: a discussion paper**, victoria, australia, 1996.
39. woman makes up only 25% of judges in England and wales, available at: <https://www.theguardian.com/law/2014/oct/09/uk-lags-europe-gender-balance-judiciary>.